



تاکنون برای موفقیت تعاریف متعددی ارائه شده است و چون موفقیت یک امر نسبی است، بسته به نوع و مقدار آن و دیدگاه افراد، تعاریف بسیار زیادی می‌تواند داشته باشد.

به عبارت ساده می‌توان گفت: در جنبه‌های مختلف، سبقت گرفتن انسان از افراد هم سطح را در اصطلاح موفقیت می‌نامند. یکی از رموز موفقیت و کامیابی این است که شخص در راهی قدم گذارد که مطابق ذوق و سلیقه و توانایی روحی و فکری او باشد. چرا که دستگاه آفرینش همه را یک نواخت نیافریده و در همه افراد بشر توانایی و قابلیت هر کاری را به ودیعه ننهاده است. بلکه برای گردش چرخ‌های اجتماع، افراد را با ذوق و استعداد‌های مخصوصی آفریده است تا هر یک رشته‌ای را دنبال کند که ذوق آن را دارد و کاری را انجام دهد که از عشق باطنی و نیروی فکری او سرچشمه می‌گیرد.

امام علی - علیه السلام - می‌فرماید: خیر انسان‌ها در تفاوت بین آن‌هاست، اگر همه یکسان بودند هلاک می‌شدند.

موفقیت

صفر عبدی

از ادیسون پرسیدند که چرا اغلب جوانان موفق نمی‌شوند؟ گفت: برای این که راه خود را نمی‌شناسند و در جاده دیگری گام بر می‌دارند. این افراد دونه‌ی ضرر به جامعه می‌رسانند:

- ۱- کاری که شایستگی آن را دارند و اگر آن را دنبال کنند کامیاب می‌شوند، انجام نمی‌دهند.
- ۲- کاری را که عهده‌دار آن شده‌اند به خوبی انجام ندادند، از عهده آن بر نمی‌آیند.

"عقربک استعداد" هر فردی از هنگام تولد به سوی کاری که برای آن آفریده شده است متوجه می‌باشد. سعادت‌مند کسی است که مریبان او، سمت تمایل این عقربه را نشان دهند. امروزه در کشورهای پیشرفته با آزمایش‌های مخصوص استعدادها و رغبت‌های افراد را تعیین می‌کنند و آنان را وادار می‌نمایند در رشته یا شغلی وارد شوند که استعداد و توانایی‌های لازم آن را داشته باشند. ای کاش که به موازات دستگاه‌های حرارت سنج و زلزله سنج، دستگاهی به نام "استعداد سنج" اختراع می‌شد تا در تمام مدارس نصب می‌گردید و میلیون‌ها استعداد بشری بر اثر نامناسب بودن محیط، تبعیت از دیگران و ناآشنایی مریبان، فقدان مشاوران و راهنمایان متعهد، آگاه و دلسوز (به قدر ضرورت و به ویژه در روستاها) در دوره‌های راهنمایی و متوسطه و هم چنین عدم آگاهی و سواد کافی پدران و مادران در جامعه هدر نمی‌رفت.

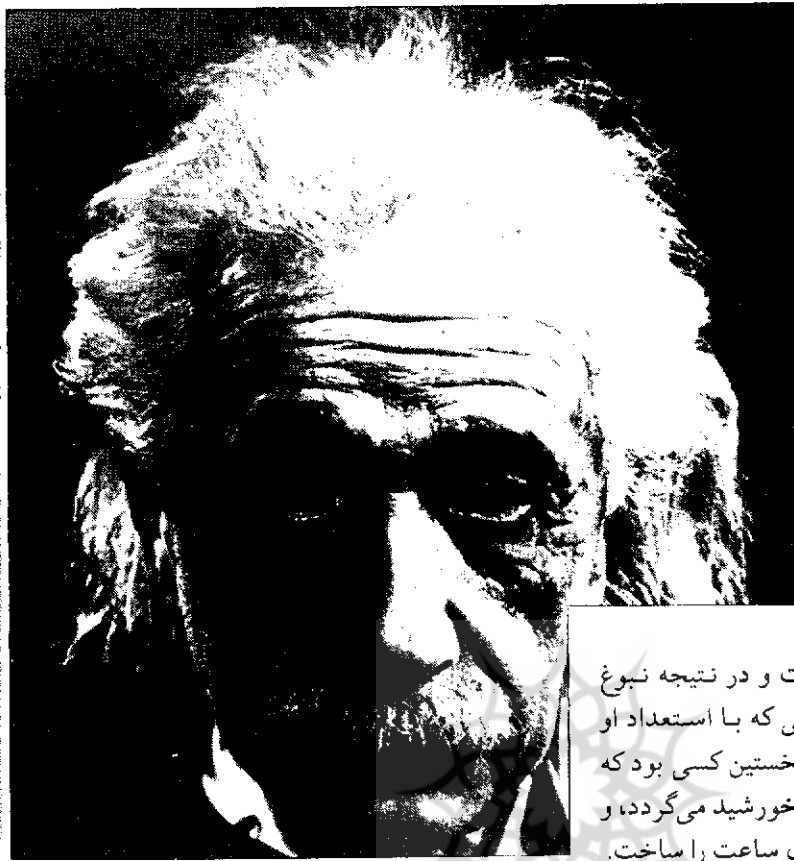
گاليله در کودکی علاقه به ساختن ماشین آلات بچگانه داشت، پدر او بر خلاف میل فرزند وی را مجبور نمود تا "طب" بخواند. او در این راه ترقی نکرد، سپس به آموختن

پاره‌ای از شکست‌ها و ناکامی‌های جوانان معلول انحراف از این اصل مسلم است که آنان گاهی بر اثر تبلیغات غلط و تربیت‌های نادرست دنبال کاری می‌روند که ذوق و استعداد آن را ندارند و از کارهایی که شایستگی و برازندگی آن را دارند، سرباز می‌زنند. آن‌ها این اصل مسلم را فراموش کرده‌اند که: "در هر سری شوری است، خوشبخت کسی است که ذوقش را دریابد."

سخت‌ترین ضربه بر پیشرفت و کامیابی یک فرد دانش‌آموز این است که بدون این که استعداد خود را بسنجد، بدون مطالعه دقیق، رشته‌ای را دنبال کند که ذوق آن را ندارد. به عنوان مثال جوانی که ذوق ادبی دارد، از گفتار و قلم او شعر می‌بارد و معمولاً کامیابی او در غیر رشته ادبی رضایت‌بخش نخواهد بود.

چرا بایستی معیار زندگی بیش‌تر انسان‌ها، معیار بیرونی باشد؟! امروزه بخش اعظم مشکلات انسان‌ها را همین امر به وجود آورده است.

امروزه بسیاری از ناکامی‌ها و شکست‌ها، ناراحتی‌ها و سردرگمی‌ها، بی‌مهارتی‌ها، نارضایتی‌ها، دلزدگی‌ها و تنفرها، ناامیدی از زندگی، تغییر پیوسته رشته و شغل و تغییر نحوه زندگی مثل چشم و هم چشمی‌ها و رسانیدن سطوح مختلف زندگی به سطح دیگران و به هر قیمتی، افراد را با مشکلاتی از قبیل: اضطراب، یأس، تنش، لذت نبردن از زندگی، جدال و کشمکش‌های خانوادگی و نهایتاً افسردگی یا پرخاشگری مواجه می‌سازد و زمینه را برای ابتلا به انواع بیماری‌های جسمی و روحی مهیا می‌کند.



ریاضیات و فیزیک پرداخت و در نتیجه نبوغ خود را در نجوم و چیزهایی که با استعداد او متناسب بود بروز داد. او نخستین کسی بود که اثبات کرد کره زمین به دور خورشید می‌گردد، و نخستین کسی بود که پاندول ساعت را ساخت.

تولستوی هنوز بچه بود که علاقه زیادی به مطالعه کتاب پیدا کرد. او کتاب‌های فلسفی را زیاد می‌خواند و در این دوران سعی می‌کرد مسائل مهم زندگی را مطرح سازد و در پایان عمر، این مسایل در قلمرو فکر او بود. جرج مورلند از شش سالگی هنر نقاشی خود را ابراز می‌کرد. او با این که در سن چهل و یک سالگی بدرود حیات گفت، آثار گرانهایی در نقاشی از خود به یادگار گذارد.

زراه کولبرن از دوران طفولیت استعداد ریاضی اش نمودار بود. گاهی از او می‌پرسیدند در یک سال یا بیش‌تر چند ثانیه وجود دارد، و او پس از تأمل مختصری پاسخ صحیح آن را می‌داد.

جیمزوات مخترع چندین آلت مکانیکی و کاشف نیروی بخار، از آغاز کودکی به آزمایش علاقه زیادی داشت و از این طریق کامیابی‌هایی در علوم طبیعی به دست آورد.

داروین در دوران کودکی کلکسیون جانوران داشت و این جذبه و کوشش طبیعی او را به مطالعه دربارهٔ ثبات یا تحول انواع واداشت و نظریهٔ اشتقاق و تحول انواع را پس از یک سفر طولانی، با تألیف کتاب "بنیاد انواع" انتشار داد. از پیشوایان مذهبی ما دستور اکید رسیده است که خود را بشناسیم و مانند غواصان در دریای وجود خود فرو رویم و با نورافکن‌های قوی به شناسایی درون خود بپردازیم تا راز درون بر ما روشن گردد.

نمود.^۲

چه بسا افسرانی که در یک زمان به زبونی و ترس و بی‌عرضگی معروف بودند ولی در موقع کار و صحنه نبرد دل‌آوری‌هایی از خود نشان دادند که اعجاب همگان را برانگیخته است.

به ملک شاه سلجوقی خبر رسید که قیصر روم در صدد تسخیر بغداد است. او با ارتش منظم به سوی مرز ایران حرکت کرد. خواجه نظام‌الملک روزی از ارتش سان دید و ناگاه قیافه سرباز کوتاه قدی توجه او را جلب کرد. دستور داد که او را از صف بیرون کنند، زیرا تصور کرد که از این سرباز کاری ساخته نیست. ملک شاه گفت چه می‌دانی، شاید همین سرباز قیصر را اسیر کند. اتفاقاً فتح و پیروزی نصیب مسلمانان شد و قیصر روم به دست همین سرباز اسیر گردید.

شاید این جمله که "خوشبختی، مجموعه بدبختی‌هایی است که هنوز سراغ ما نیامده است" بتواند انگیزه و امیدواری بیشتری در ما ایجاد کند.

اگر ما خود بخواهیم و حتی خودمان آرزوها و رؤیاهای شخصی را به فراموشی بسپاریم، شرایطی مهیا می‌شود تا بدون آن که حتی خود متوجه باشیم به دنبال آن حرکت کنیم، چرا که روح جهان نمی‌گذارد کسی از آرزوی خود دور بماند. نتیجه این که خود را باور کنیم، زیرا تا گنج یقین به دست نیاید گنج واقعی نیز حاصل نخواهد شد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتاب "زنده باد خودم" اثر دکتر وین دایر.
- ۲- رمز موفقیت، انتشارات روابط عمومی معاونت پرورشی و وزارت آموزش و پرورش

تمایلات باطنی ما بسا مغناطیسی است که شبیه و هم سنخ خود را جذب می‌کند و در مخزنی به نام "حافظه" انبار می‌نماید و در وقت لزوم از آن بهره‌برداری می‌کند. اگر آن چه را می‌آموزیم مطابق ذوق و خواست‌های باطنی ما باشد به آسانی وارد مخزن شده، تا مدتی قرار و ثبات خود را حفظ می‌کند. ولی اگر کاری را تعقیب نماییم که شایستگی طبیعی آن را نداریم، در اندک زمانی از مغز و مراکز حفظ ما فرار می‌کند و در نتیجه موفقیت ما خیلی کم می‌شود. یک چنین فرد منحرف از علائق و استعداد خود همانند کسی است که بر خلاف جریان آب شنا می‌کند یا دستخوش امواج کوه پیکر آب می‌گردد یا با ناکامی روبه‌رو می‌شود، یا حداکثر، کامیابی ناچیزی به دست می‌آورد.

کوتاه سخن این که: وقتی انسان خود و شایستگی خود را شناخت و کار مطابق استعداد خود را پذیرفت، چون عشق و جاذبه درونی دارد در رسیدن به هدف خود موفق می‌گردد.

نکته دیگر این که استعدادهایی هست که در شرایط مخصوصی نشو و نما می‌کند که در این جا لازم است افراد آگاه به مسائل تعلیم و تربیت این استعدادها و علائق را کشف و شناسایی کنند و زمینه شکوفایی آن‌ها را فراهم سازند. چه بسا نوآموزانی که در آغاز تحصیل بسیار کم استعداد به نظر رسیده، ولی بعداً در سنین مخصوصی نابغه شده‌اند. پیداست که به حکم قوانین طبیعی شکفتن این گونه شایستگی‌ها شرایط دیگری لازم داشته است.

می‌گویند "اینشتین" دانشمند بزرگ و فیزیکدان معاصر در کلاس‌های ابتدایی مردود می‌شد ولی وقتی در محیط‌های ویژه‌ای قرار گرفت استعداد و قدرت درونی خود را ابراز